

نگاهی به فلسفه اشراقی سهروردی*

محمدتقی دانش‌پژوه

در دیباچه حیات‌النفوس که اکنون از چاپ برآمده است از پیوند اشراق سهروردی و اندیشه فلسفی خسروانی‌ها و فهلوی‌ها و اندیشه فیثاغورس یونانی یاد کرده و برخوردیم به اینکه همان اشراق با اندیشه امپدکلس (انباذقلیس) هم بی‌پیوند نیست.

سرگذشت این فیلسوف یونانی (۴۲۴-۴۸۴ پیش از مسیح) در تاریخ دیوگنس لائرتسیوس (۸: ۵۱) و ترجمه عربی تاریخ فلاسفه یونانی از سید عبدالله افندی (ص ۷۱-۷۵) آمده و آمونیوس (Ammonius) در آراء الفلاسفة (۳۷ و ۸۲ و ۱۳۰ متن عربی) و ترجمه آلمانی و گزارش آلمانی آن وایتیوس در الآراء الطبيعية (ص ۱۰۴ و ۱۲۸) هم از او یاد کرده‌اند. در الهند بیرونی (ص ۶۴ چاپ دکن) بندی از انباذقلیس آمده که آمونیوس نیاورده ولی نزدیک به آن در ملل و نحل شهرستانی (ص ۸۳۵) هست.

اشترن درباره سخنان انباذقلیس تکیه‌نگاری و گفتاری دارد. شهرزوری نیز در تاریخ‌الحکماء سخنان او را آورد. آسین پالاسیوس از روی نسخه لیدن، در

*. پند و سخن (جشن‌نامه فوشه‌کور)، تهران، انجمن ایرانشناسی فرانسه، ص ۳۰۴-۳۰۶.

نوشته خودش درباره این المسرة (ص ۱۶۲-۱۶۴ ترجمه انگلیسی) آنها را گذارده است. این بندها در متن شهرزوری چاپ دکن (۵۵-۵۰) و گزیده‌ای از آنها در ترجمه فارسی مقصودعلی تبریزی (ص ۱۸ و ۱۹) چاپ ۱۳۶۵ در تهران نیز دیده می‌شود.

در انواریه فهرست نامها، از انبازقلیس یاد شده است. من در دیباچه شهرزوری (ص ۲۱۴) نشان داده‌ام که سرگذشت او در کتابهای تاریخ حکماء دیگر عربی در کجاها هست. شهرستانی در ملل و نحل (۸۲۵-۸۳۵ چاپ بدران) نیز سخنان او را آورده است. در همان حیات النفوس (ص ۴۵۶ و ۵۳۹) و در تلویحات و حکمت اشراق (فهرست آنها در چاپ هنری کرین) یاد او هست. در المشارع والمطارحات (ص ۴۳۲) آمده است که آنچه به انبازقلیس بسته‌اند که او به بخت و اتفاق می‌گراییده است دروغ است، چه او علت غایی را تنها در کار خدا نمی‌پذیرفته است نه در جاهای دیگر، در طبیعی ارسطو در چندجا (فهرست نامهای پایان آن در ترجمه‌های فرانسوی و انگلیسی و عربی) از امیدکلس یاد شد و در آنجا (ص ۱۱۳ و ۱۱۴ عربی و ۱: ۶۹ فرانسوی و ۱: ۱۴۲ انگلیسی) از بخت نزد او کاوش شده است، هم‌چنان که در طبیعی شفاء (مقاله ۱ فصل ۱۳ و ۱۴ ص ۷۰-۶۰) این سخن هست.

در طبیعی ارسطو (ص ۳۵ عربی) آمده که عنصرها چهارند و با دوستی فراهم می‌آیند و با چیرگی ازهم جدا می‌گردند، در کون و فساد ارسطو (ترجمه عربی لطفی سید ص ۲۱۲ و ۲۲۷ و ۲۳۴) از چهار عنصر و درک ۲ ب ۶ ف ۶ و ۱۰ آنجا (ص ۲۲۰ و ۲۳۲ عربی - ص ۵۸-۶۱ فرانسوی موگلر و ص ۱۰۲ فرانسوی تریکو) از صدقه و مصادقه یاد شده است. در کون و فساد شفاء (ص

۱۱۲ و ۱۸۹) آمده که سخن گرایندگان به دوستی نادرست است. در شفاء و در کون و فساد (ص ۸۲ و ۸۹ و ۹۰ فصل ۱ و ۲) از دوستی و چیرگی یاد شده است.

پیش از سهروردی دانشمند اسپانیایی ابن المسرة محمد بن عبدالله جبلی فیلسوف صوفی باطنی مؤلف الحروف والتبصرة (م. ۳۱۹) چنان که آسین پالاسیوس در سرگذشت او آورده است (ص ۴۱ و ۴۲) از امیدکلس پیروی کرده است. این سرگذشت‌نامه اسپانیایی در مادرید در ۱۹۱۴ و ترجمه انگلیسی آن در ۱۹۷۸ چاپ شده است. نیز ترجمه عربی آن گویا به نام ابن المسرة و مدرسته. او از کتابهای تاریخ فلاسفه بهره برده و از کارهای دانشمندان یهودشناس مانند موتک و فریدلاندر، هنری کرین در اسلام ایرانی (۳: ۱۵۶) و در تاریخ فلسفه (۲۹۲-۲۳۴ و ۳۰۵-۳۰۹) از او یاد کرده و او نژادش عربی نیست و با پدر به بصره رفته و در آنجا آموزش دیده و اندیشه او را ابن عربی و حیدر آملی دنبال کردند (بروکلمن ذیل: ۳۷۸، ترجمه عربی ۴: ۱۵۳ - تاریخ فلسفه و کلام وات ۱۵۰ - دانشنامه ایران و اسلام (۱: ۴۹۸ و ۲: ۸۴) به نام انباذقلیس - دائرة المعارف اسلام به فرانسه ۸۹۲ - ملل و نحل شهرستانی ص ۸۲۳ چاپ بدران - تاریخ حکماء شهرزوری چاپ هند از ۲۱ و ۲۴ و ۵۰ و ۵۵ و ۸۹ و ۱۱۹ و ۲۴۵ و ترجمه فارسی آن ص ۱۸ و ۱۹).

سهروردی در نوشته‌های خود از عالم مثال یاد کرده است، درباره آن چند کتاب دیگر دیده‌ام:

۱. رساله مثالیة قطب شیرازی از سده هفتم (نسخه ۱، مجموعه ۳۴۳۰ فهرست نسخه‌های خطی دانشگاه تهران، ج ۱۱ و فهرست الهیات دانشگاه تهران، ۱: ۳۴۰ ش ۶۰۱/۲۵ و ۲: ۲۴۸).

۲. المثل العقلية الافلاطونية از شاگرد شمس الملة مظفر که عبدالرحمن بدوی آن را با دو رساله دیگر چاپ کرده است و آن میان ۷۳۰ و ۷۴۰ ساخته شده است (ص ۱۴۳ و ۱۳۴).

۳. منامیه سید علی همدانی (۷۸۶-۷۱۴)، (فهرست نسخه‌های خطی دانشگاه تهران ۲۴۰۱/۱۶ طوس، ۴: ۱۲۴ - فهرست تویفل ۴۸ و ریاض ۱۳۷) فریتس مایر. این منامیه را در ارانس یاربوخ ۱۸ در ۱۹۵۰ به آلمانی درآورد.

خط مرآة المثول علیقلی خان ساخته ۱۰۶۲ (فهرست نسخه‌های خطی دانشگاه تهران، ج ۱۶: ۷۴۳۱/۲).

۵. فانوس الخیال یا قنديل الخیال از قطب‌الدین محمد لاهیجی (در ۱۰۷۷).

۶. الرسالة النورية از بهاء‌الدین محمد لاهیجی (از سده ۱۱ فهرست فیلمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۲: ۶۹۲).

۷. رساله مثالیة هادی سبزواری (سده ۱۳ و ۱۴)



سهروردی در نوشته‌های خود از خلع و خلسه یاد می‌کند که با عالم مثال بی‌پیوند نیست. در حیات‌النفوس (ص ۵۳۹ و ۵۴۰) از خلسه یاد می‌شود و آن از افلاطون و ارسطو دانسته شده است. همچنان که در آن (فهرست نامها مانند ص

۴۶۰ و ۵۳۱ و جاهای دیگر از مثالهای افلاطونی یاد شده و در ص ۴۵۲ از آن کاوش شده است. صدرای شیرازی و استادش داماد استرآبادی از مثل کاوش کرده‌اند.

داماد دو خلعیه دارد: یکی مورخ ۱ مورخ ۱۰۱۱ در قم، دیگری مورخ ۱۴ شعبان ۱۰۲۳ که من در فهرست دانشگاه تهران (۸: ۴۳۲ و ۴۳۵ و ۹: ۲۱۰۸/۸ ش ۱۸۲۷/۴ و ۱۸۳۷/۱۰ و ۳۱۵۲/۷) از اینها کاوش کرده‌ام. از محمد بن علی جباعی خلسه‌مانندی مورخ ۹۶۵ (ش ۲۱۴۴/۳ دانشگاه) یاد کرده‌اند.

محمدتقی مجلسی نخستین در شرح الصحیفة خود شماره ۱۸۴۹ (ص ۴۴۴ ج ۸ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) از خلسه خود یاد می‌کند.